

آوای کودک

سید محمد جندقی کرمانی پور

www.ketab.ir



کتاب ساده



کتاب سده

آوای کودک

نویسنده: سید محمد جندقی کرمانی پور

ویراستار: هومن لازمی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

آماده سازی و تولید: آتلیه سده

طراح جلد: نغمه محمد مقدم

صفحه آرا: کیمیا ادریسی

ناظر فنی چاپ: فرهاد جاوید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ پرگار

تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تکرار مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، عکس، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان قرار دارد.

ISBN: 978-600-8968-60-3

کتاب سده

تلفن: ۰۹۱۲۲۴۷۲۸۳۸ - ۶۶۸۶۲۱۴۳

چندقی کرمانی، سید محمد

آوای کودک سید محمد جندقی کرمانی پور.

تهران: کتاب سده، ۱۴۰۰.

۹۰ ص.

۳ - ۶۰ - ۸۹۶۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فیبا

فرزندان طلاق - ایران - روان شناسی

HQVVV/5

۳۰۶/۸۹

۸۵۷۲۸۷۰

فیبا

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

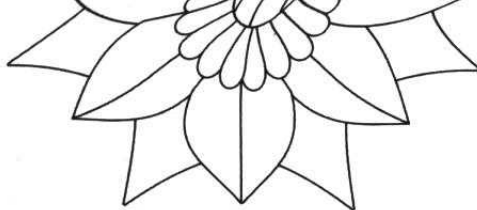
موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی



پیشگفتار

هر انسانی از ظلم و ستمی که بر فرزندان طلاق می‌رود، در ماتم و اندوه فرو می‌رود و از خود سؤال می‌کند چرا کودکان بی‌گناه به قتل می‌رسند و یا مورد تجاوز قرار می‌گیرند؟ علت چیست و ایراد از کجاست؟ از خانواده و از محیط اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، از آموزش و پرورش یا بی‌توجهی مسئولان با آنان است؟ چرا تجاوز به کودکان و قتل آنان در سال‌های اخیر افزایش یافته است و چرا این جنایات نه تنها متوقف نمی‌شوند، بلکه همچنان ادامه دارند؟ چرا مجازات و حتی اعدام تبهکاران ارتکاب به این جنایات هولناک را کم نکرده است؟ آیا به خود آمده‌ایم تا علت‌ها و عوامل این جنایات علیه کودکان را بررسی و به کشف آن همت کنیم؟

گروهی جنایات علیه کودکان را ناشی از سقوط و فروریزی ارزش‌های اخلاقی می‌دانند؛ به سخن دیگر، آثار فاجعه‌بار این فروریزی ارزش‌های اخلاقی، این معضل را بر پیکر جامعه بحران‌زده ما نشانده است! جمعی دیگر آن را ناشی از مشکلات طاقت‌فرسای اقتصادی می‌دانند که پیامدش رنج و درد خانواده‌ها را دو چندان کرده و نتیجه آن فاجعه‌هایی است که گریبان‌گیر خانواده‌ها شده و قربانیان آن اغلب کودکان بی‌گناه هستند و

بعضی دیگر اعتقاد دارند تمامی عوامل فوق دست به دست هم داده و موجب بی سروسامانی خانواده ها شده و این فجایع دردناک نتیجه آن است. ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی، معتقد است: «ارزش های اخلاقی برای بقای جامعه ضرورت دارد و عدم رعایت آن تبهکاری را در جامعه افزایش می دهد. رعایت ارزش های اخلاقی در جوامع گوناگون نسبی است و بستگی به فرهنگ، تعالیم دینی، سطح آموزش، میزان سواد و آگاهی و رشد و توسعه اقتصادی و موقعیت جغرافیایی جامعه دارد. صیانت و پاسداری حاکمیت از ارزش های اخلاقی و حفظ حرمت انسانی است که به رعایت این ارزش ها و پاسداری از آن از سوی مردم می انجامد و به عکس».

بارها از رسانه های عمومی دیده، خوانده و یا شنیده ایم که پلیس افرادی را به عنوان «راذل و اوباش» فلان منطقه شهر و یا مراکز استانی دستگیر و متلاشی کرده است، ولی این پایان کار نیست و باز هم این پدیده شوم در منطقه یا شهر و استانی دیگر سر بلند می کند. علت چیست؟ آیا مواد مخدر می تواند یکی از این علت ها باشد؟ طلاق و فرزندان طلاق چگونه؟ بیکاری، فقر و یا فساد مالی و اداری در زایش این عوامل بی تأثیر است؟ اختلافات فاحش طبقاتی که روز به روز رو به تزايد است و ثروت های نجومی از یک طرف و فقر مطلق و بی خانمانی از طرف دیگر در آن جنایات بی تأثیر است؟

آمار پرونده های ارجاع شده به قوه قضاییه نشان می دهد که زورگیری، سرقت، فساد و فحشا و جرم و جنایت رو به افزایش گذاشته است و علی رغم پیگیری شبانه روزی نیروی انتظامی خرید و فروش مواد مخدر، این ماده بر بادده بنیان خانواده، که چون سیلی بنیان کن خانواده را متلاش می کند، باز هم رو به افزایش است.

عدم برنامه ریزی دولت ها و ارگان های مسئول برای جلوگیری از این پدیده شوم موجب افزایش این جرایم است. در برخی استان ها، به ویژه

استان‌ها و شهرهای جنوبی و جنوب شرقی کشور، مردان و زنان برای امرار معاش ناگزیرند به خرید و فروش مواد مخدر روی آورند و گاهی حتی کودکان خود را در این کار کثیف به کار می‌گیرند. جای کودک در مدرسه است، نه در خیابان، کوچه یا محله‌هایی که مرکز خرید و فروش مواد مخدر است. رها کردن کودکان موجب می‌شود آن‌ها مورد سوءاستفاده، اذیت و آزار و تجاوز به عنف - که نتیجه سقوط ارزش‌های اخلاقی و فقر اقتصادی است - نیز قرار بگیرند.

از موارد دردناک و شرم‌آور دیگر در جامعه تجاوز به محارم است، سازمان بهزیستی کشور در گزارشی که در این مورد تهیه کرده نتیجه گرفته است دوازده درصد دختران فراری، اولین بار توسط پدر یا برادر مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و یا چندین زن به جرم به‌قتل رساندن شوهر خود به علت تجاوز به فرزندانشان در بازداشت به سر می‌برند. تجاوز گروهی پسران به دختران از جمله موارد دیگر سقوط اخلاقیات در جامعه است. طلاق و فرزندان طلاق که موضوع این نوشته است یکی از نمودهای این جنایات است که شرح آن در این نوشتار آورده شده است. امید است که مطالعه این نوشتار به وسیله مادران و پدران جوان بتواند تأثیری نیکو هر چند اندک داشته باشد و از طلاق‌های بی‌منطق جلوگیری کند.

زاغ سپهر، گوهر پاک بسی وجود بنهفت زیر خاک و ندانست گوهر است^۱
طی حدود نیم قرن کار و کالت دادگستری، بارها شاهد نگرانی‌ها و غم و اندوه فرزندان بودم که به همراه والدین خود، که قصد جدایی داشتند، یا به دادگاه‌های خانواده می‌آمدند و یا به دفترم مراجعه می‌کردند، در حالی که ناپدری یا نامادری ایشان را آزار و شکنجه می‌دادند و این آزارها حتی گاهی به قتل فرزند نیز می‌انجامید. آری، من با صحنه‌هایی روبه‌رو شده‌ام

که قلب هر انسانی را ریش می‌کند. دیدم که دختری دبستانی با روپوش مدرسه درحالی که یک دست پدرش را گرفته بود دست دیگرش را به دامن مادرش چنگ انداخته گریه و التماس می‌کرد: «مامان، من را ترک نکن، می‌خواهم با تو باشم. ماما اگر من را ترک کنی، می‌میرم. بابا، بگذار با ماما بروم» و درحالی که اشک مانند سیل از چشمان بی‌گناهش سرازیر بود پدر به‌زور دست او را از دامن مادر جدا می‌کرد و مادر اشک‌ریزان رویش را برمی‌گرداند تا اشک خود را، که گونه‌هایش را خیس کرده بود، از طفلش پنهان کند.

به خود آمدم و از خویش پرسیدم چرا پایان دهشتناک جدایی‌ها و سرنوشت شوم فرزندان طلاق را به رشته تحریر در نمی‌آوری و علت طلاق را بررسی نمی‌کنی تا شاید دختران و پسران جوانی که به ازدواج روی می‌آورند و دارای فرزند یا فرزندان می‌شوند با مطالعه آن قدری به خود بیایند و قبل از هر اقدامی تفکر کنند و از روی عصبانیت تصمیم نگیرند. مردم وطن عزیز ما بارها در غم و اندوه فرو رفته‌اند که چرا کودکان معصوم بی‌رحمانه قتل‌عام می‌شوند و یا مورد تجاوز قرار می‌گیرند. ایراد از کجاست؟ از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم؟ از تربیت خانوادگی، مدرسه و یا سقوط و فروریزی ارزش‌های اخلاقی و یا از نقص قوانین؟ چرا قتل و تجاوز، به‌ویژه در مورد کودکان بی‌گناه، همچنان ادامه دارد؟ و چرا مجازات عاملان و قاتلان نیز ارتکاب این جنایات هولناک نکاسته و آثار مخرب و فاجعه‌بار آن را - که پیامدهای فاجعه‌بارش کمتر از مشکلات توان‌فرسای اخلاقی و اقتصادی نیست - بر پیکر جامعه بحران‌زده ما میخ‌کوب کرده‌است؟ بارها در روزنامه‌ها خوانده و یا از رسانه‌ها مشاهده کرده‌ایم که پلیس افرادی را به نام اراذل و اوباش فلان منطقه سوار بر وانت‌های روباز با خفت و خواری در برابر دید مردم قرار می‌دهد و در دادسراها و دادگاه‌های جزایی دیده‌ایم افرادی را به نام فلان اتهام با پایبند و دستبند می‌آورند و عزت و احترامی که ایشان نزد خانواده خود داشتند به باد می‌رود.